

متن پرسش

با سلام حضرت استاد در جواب سوال ۱۵۳۲۱ با عنوان این که مراقب باشیم بین مبانی فلسفی و عرفانی خلط نشود فلاسفه هم وقتی واژه وجود رو استعمال میکنند منظورشان حقیقت عینی وجود و مصداق وجود هست نه مفهوم وجود و باز اعتقاد دارن که مصداق وجود مطلق خداست و باز قائل هستن که اسماء و صفات خداوند که در الهیات اخص اثبات میشه تجلی میکنه و عالم خلق ایجاد میشه باز من سوالم اینجاست که فلاسفه که معتقد هستن صفات الهی تجلی میابد چطور این اسماء و صفات رو که اسم وجود روش میگذارن قائل به مادی بودنش در مرتبه مادون میشن، یعنی فلاسفه دچار یک نوع «تناقض گویی» هستن از طرفی قائل به وجود مادی هستن و از طرفی در بحث احکام سلبی مادیت رو از وجود نفی میکنن و از طرفی هم قائل به تجلی صفات و اسماء اون وجود مطلق هستن، مگه میشه اسماء و صفات الهی مادی بشه یا مثلا علم و حیات از شوون وجود هست به عبارتی عین وجوده چطور در مرتبه ماده وجود فاقد علم و حیات و ... میشه این یعنی وجود بخشی از خودش رو از دست بده در حالی که وجود متکثر نیست که بخشی از خودش رو از دست بده این ها رو من در کلام فلاسفه تناقض می بینم البته میدونم که اطلاعات من ضعیفه و سوء برداشت از منه ان شاءالله راهنمایی می فرمایید. اگر برداشت من از حرف فلاسفه درسته این تناقضات که بنده می بینم رو چطور جواب میدن چون بالاخره وقتی صحبت از وجود میکنن وجود خارجی منظورشان هست با تمام احکام خارجیت نه صرف مفهوم وجود...

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: اساسا به کار بردن واژه‌ی «مادی» در مقابل واژه‌ی «مجرد» کاربرد دارد و این در فضای مقایسه‌ی دو ساحت از عالم وجود است ولی واژه‌ی «تجلی»، در ساحت دیگری مطرح است که بخواهیم ظاهر و مظهر را در رابطه با اسماء الهی به میان بکشیم و اگر هم در فلسفه به کار می‌رود، از آن جهت است که فیلسوف با نگاه عرفانی سخن می‌گوید مثل حکمت متعالیه که جمع بین عقل و قلب است. موفق باشد